

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی
مطبوعات

● جایگاه نشریات فرهنگی در فرایند شکل‌گیری جامعه مدنی / خسرو ناقد

جایگاه نشریات فرهنگی در فرایند شکل‌گیری جامعه مدنی

به بهانه انتشار نخستین شماره مجله فرهنگی و هنری «بخارا»

گوناگونی مطبوعات و گسترش انتشار نشریات متنوع و متفاوت و جایگاه شایسته این رکن در تنویر افکار و ایجاد فضای مناسب برای گفتگو و برخورد سازنده نظرات و همچنین اهمیتی که رسانه‌های گروهی در ارتقاء سطح آگاهی و تعالی فرهنگ و دانش عمومی دارند، بی‌گمان مهمترین عامل توسعه فرهنگی و یکی از نشانه‌های پویایی و تحرک هر جامعه است. بدیهی است که توسعه فرهنگی (به معنای گسترده آن)، نه تنها عامل اصلی رشد خودآگاهی جمعی، بلکه زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اولین پیش شرط حل و رفع مسایل و مشکلات فراگیر جامعه است. البته این همه زمانی متحقق می‌گردد که از یک سو صاحبان قدرت و دولت با قانون‌گرایی و قانون‌گذاری و سعه صدر به مطبوعات و نقش آنان در جامعه بنگرند و رسانه‌های گروهی رانه به عنوان «دشمنان بالقوه» یا بلندگوی تبلیغاتی خود، بلکه به مثابه رکنی اساسی در کنار و هم‌تراز قوای مقننه و مجریه و قضائیه، باور کنند و به رسمیت بشناسند. از سوی دیگر اما ارباب جراید و اهل قلم نیز به رسالت فرهنگی و مسئولیت خود در ترویج تفاهم و تبلیغ تسامح و تقویت حس همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز واقف باشند و جداً از هتک حرمت اشخاص و دروغ‌پردازی و شایعه پراکنی، و از همه مهمتر از تبلیغ خشونت بپرهیزند. این هشدار بی‌شک در وهله اول متوجه رسانه‌های تصویری فراگیر (تلویزیون و سینما) و روزنامه‌ها و نشریه‌های سرتاسری و با نفوذ است که تأثیر آتی، ولی گسترده خیرها و گزارشها و تجزیه و تحلیل‌های آنان قابل کتمان نیست؛ تأثیری که بنا بر احساس مسئولیت می‌تواند سودمند و سازنده باشد و در



• خسرو ناقد

صورت بی‌مسئولیتی گردانندگان آن، لاجرم مضر و مخرب خواهد بود.

من در اینجا به تناسب با موضوع این نوشتار، تنها به همین اشاره بسنده می‌کنم. اما پرداختن به کارکرد مطبوعات و بررسی نقش و مسئولیت رسانه‌هایی چون رادیو و تلویزیون در جوامع در حال توسعه، خاصه تأثیر و نفوذ آنها در فرایند شکل‌گیری جامعه مدنی، از اهمیت بسیار برخوردار است. این امر به ویژه در مورد ایران و در وضعیت کنونی که جامعه در حال گذار از ساختاری اقتداری به مناسباتی مبتنی بر قانون است، به مسأله‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز تبدیل شده است؛ زیرا ادامه کوشش‌های گسترده و دگرگونی‌های امیدوارکننده‌ای که در پی «انتخابات دوم خرداد ۷۶» پدید آمده است، هم نیازمند رشد و توسعه است و هم محتاج تعمق و تعمیق؛ و کیست که هوشیاری و بیداری مردم و جایگاه اندیشمندان و روشنفکران و نقش رسانه‌های گروهی را در این فرایند بتواند کتمان کند.

آنچه اما در این فرایند کمتر مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد و اغلب از نظرها دور می‌ماند، نقش مهم و تأثیر عمیق، ولی آرام و دراز مدت نشریات فرهنگی و هنری و ادبی مستقل است در تبیین نظرات و تثبیت دستاوردهای برآمده از توسعه و تکامل جامعه. البته این بی‌اعتنایی نه تازگی دارد و نه مختص به دنیای مطبوعات در ایران است. نشریات فرهنگی و ادبی وزین و پرمحتوا حتی در کشورهایی که در آنها مطالعه رواج عام دارد و تیراژ روزنامه‌ها و مجلات رنگارنگ هفتگی سر به میلیون می‌گذارد، رونقی آنچنان ندارد و دوام و پایداریشان بیشتر بسته به

بَخْشَارَا

مجله فرهنگی و فنی

عبدالحسین زرین کوب
 سعادت آل سیس
 محسنه امین زاهدی
 زورنی از تاریخ فرهنگ ایران
 محسنه امین زاهدی
 سعادت آل سیس
 عزتالله فولادوند
 مردم پستی و فرهنگ ایران
 انور عطایی
 اثر کابردی پس از استناد
 آبرج افشار
 زاربا و بارهای پرشکستی
 شرف الدین خراسانی
 به جرات در راه عشق
 علی یزیدی
 چرا مردم ما کتاب نمی خواند
 سوزان، پروین
 یک قرن از پیم پی
 امین شوری
 پرده جاز و نواز ایران
 جعفر افشار
 به کوروسا
 پروین امینی
 دستگاه و دستگاهها
 منوچهر سلطانی
 خاطرات از دکتر نفوس
 عرفانی زوینت
 نقدی بر آثار زنده
 رضا عطایی
 استاد قزوینی بیلا
 ناصر افشار
 بار دوست
 حضور افشار
 پیمان سال نما بنگاه کتاب
 و گفتگو با استاد سائیکر

۱۹۵۰ آبان

شماره دوم - مهر و آبان ۱۳۷۷

با سرودم عالی از: فریدون مشیری - علی محمد حقیق شناس -
 فرخ امینی - احمد رضا احمدی - ایراک کوهده امینی - مجید
 پارسادری - انور یزیدی - ویدا فرجی - سعیدی شاه حسینی -
 احمد جلیلی - سعید حبیبیان - کلا کورین و عباس بهرانی

سیاست‌گذاری‌های فرهنگی این کشورهاست که به موجب آن حداقل یک سوم از نسخه‌های این گونه نشریات تخصصی و فرهنگی را کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌ها و دبیرستانها و دیگر مؤسسات و نهادهای آموزشی و پرورشی خریدارند و از این طریق است که ادامه حیات نشریه‌های فرهنگی و ادبی تضمین می‌شود. زیرا این اعتقاد راسخ و استدلال استوار وجود دارد که چون مجله‌های علمی و فرهنگی مرجعی موثق و مطمئن برای پژوهشگران و دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانهاست و از آنجا که انتشار آنها مستلزم دقت و مراقبت بسیار است و مدیران و گردانندگان آنها به رغم تیراژ کم، ناگزیرند دشواری‌های بیشماری را بپذیرند و متحمل هزینه‌های هنگفتی شوند، لذا دوراندیشی فرهنگی و منطق علمی ایجاب می‌کند که این گونه نشریات مورد حمایت و پشتیبانی نهادهای آموزشی و فرهنگی قرار گیرند.

اما متأسفانه چنین دوراندیشی فرهنگی و استدلال منطقی تاکنون در کشورهایی نظیر ایران کمتر مجال بروز پیدا کرده است و برنامه‌ریزان و مجریان مسایل فرهنگی، بیشتر به تأثیرات آنی و گذرای اقدامات و سیاستهای خود دل بسته و دلخوش‌اند تا به برنامه‌ریزی‌های فرهنگی بنیادین و بلند مدت برای جوانان و نسلهای آینده. البته این راه و روش به دوران بعد از انقلاب ایران محدود نمی‌شود؛ پیشتر نیز سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، کمتر بر واقعیت‌ها و خواست‌های جامعه و پشتیبانی و حمایت از فرهنگ‌سازان و فرهنگ‌پروران تکیه داشت و بیشتر بر خودبزرگ‌بینی و توهم و تقلید و تبلیغات کاذب استوار بود. در آن زمان نیز همانند امروز،

نشریات و مجله‌های فرهنگی و ادبی مستقل بیش از همه از تبعات این سیاست‌های فرهنگی صدمه و ضربه می‌دیدند. برای مثال کافی است که به دوره‌های یکی از معروفترین و معتبرترین مجله‌های فرهنگی - ادبی تاریخ معاصر ایران، «مجله سخن» شادروان دکتر پرویز ناتل خانلری یا «مجله یغما»ی مرحوم حبیب یغمایی نگاه کنیم تا ببینیم که مدیران و سردبیران این دو نشریه با چه مصائب و مشکلاتی مواجه بودند و با چه سختی و مشقتی - و گاه با وقفه‌های یک دو ساله - مجله را منتشر می‌کردند. طرفه آن که درست مقاله‌ها و شعرها و ترجمه‌های مندرج در همین دو مجله و نیز مطالب برخی از نشریات فرهنگی و ادبی آن دوران، امروز مرجع موثق تحقیقات آکادمیک و ادبی بسیاری از پژوهشگران است؛ تا جایی که تقاضای بسیار علاقمندان موجب گردید تا بعد از انقلاب، دوره‌های مجله «سخن» و «یغما» به صورت کتاب تجدید چاپ شود. و این در حالی است که در زمان انتشار این نشریات، خوانندگان اندکی به خرید و اشتراک و مطالعه آنها رغبت نشان می‌دادند و درخواستهای مکرر مدیران و سردبیران آنها به مشترکان و نمایندگان فروش در صفحات این نشریات بهترین گواه این مدعا است.

شاید نمونه بارز این گونه نشریات فرهنگی و هنری در دوران حاضر، سرنوشت نشریه «کلک» به سردبیری علی دهباشی است که پس از نزدیک به هشت سال حضور فعال در صحنه مطبوعات و با انتشار ۹۴ شماره، در سال جاری با خوانندگان خود وداع کرد. «کلک» که انتشار هشت ساله و شهرت خود را اساساً به دهباشی مدیون است، یکی از نادرترین نشریات فرهنگی و ادبی مستقلی بود که با تلاشهای جانکاه و سعه صدر سردبیر آن موفق شده بود لشکر عظیمی از محققان و نویسندگان و مترجمان و شاعران و هنرمندان رشته‌های گوناگون را با سبک و سلاقی متفاوت در خدمت حفظ و توسعه زبان و ادب فارسی و تعالی و تقویت فرهنگ و تمدن ایرانزمین گرد هم آورد و در این راه برای اهل قلم و نویسندگان جدید و قدیم با هر سبک و شیوه کار، احترام بسیار قایل بود، در واقع «کلک» در این ۹۴ شماره توانست پیوندی معقول و مطلوب میان سنتی‌ترین محققان و مؤلفان و مدرن‌ترین پژوهشگران و پدیدآورندگان به وجود آورد که این خود به تنهایی کاری است بس شگرف و شگفت. افزون بر این، یکی دیگر از ویژگی‌های بارز این مجله، انتشار ویژه‌نامه‌ها و یادواره‌ها و گفتگو با اندیشمندان و نویسندگان و هنرمندان بود که در زمان خود کاری بود بکر و بدیع و از این رهگذر مجموعه‌ای ارزشمند و متنوع به یادگار مانده است:

- ویژه‌نامه مطبوعات ایران - ویژه‌نامه معرفی و نقد ژمان نو - ویژه‌نامه بحران افزایش جمعیت در ایران - ویژه‌نامه معرفی و نقد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی - ویژه‌نامه فرهنگ، تاریخ و ادبیات ژاپن - ویژه‌نامه تاریخ فکر، فلسفه سیاسی و انتقاد عقلی در آثار دکتر فریدون آدمیت.

- یادوارهٔ دکتر غلامحسین یوسفی، استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی، دکتر مهرداد بهار و استاد بدیع‌الزمان فروزانفر.

- گفتگو با مرتضی ممیز (استاد طراح و گرافیک)، مهدی خالدي (موسیقیدان)، داریوش آشوری (پژوهشگر و زبان‌شناس)، آیدین آغداشلو (نقاش)، بیژن جلالی (شاعر)، کیومرث صابری (گل آقا)، داریوش شایگان (متفکر و محقق)، اسماعیل فصیح (ژمان‌نویس)، سهراب شهید ثالث (کارگردان سینما)، دکتر محمد حسن لطفی (محقق و مترجم آثار افلاطون و فلوطین)، دکتر جلال خالقی مطلق (استاد دانشگاه و مصحح شاهنامهٔ فردوسی)، دکتر احسان نراقی (جامعه‌شناس و مشاور یونسکو)، ...

خوشبختانه جدایی «کلک» و دهباشی، خاموشی و گوشه‌نشینی این خدمتگزار فرهنگ ایران و تلاشگر توسعه زبان و ادب فارسی را موجب نشد؛ و جز این نیز انتظار نمی‌رفت. در این روزها نخستین شمارهٔ مجله فرهنگی و هنری «بُخارا» با مدیریت و سردبیری او منتشر شده است که همچون کارهای پیشینش متنوع و جالب و جذاب است و هر خوانندهٔ مشکل‌پسندی را بر سر شوق می‌آورد. علاوه بر این در اولین شمارهٔ «بُخارا» که تاریخ مرداد و شهریور ۱۳۷۷ را دارد و در ۴۰۸ صفحه انتشار یافته، کوشش شده است تا حتی المقدور، نواقص و کمبودهای قبلی در سایه تجارب غنی سردبیر مجله برطرف گردد و از این پس هر دو ماه یکبار دفتری در حدود ۴۰۰ صفحه منتشر شود.

کسانی که علی‌دهباشی را از نزدیک می‌شناسند و با خلق و خوی او آشنايند و در جریان کوششهای فرهنگیش قرار دارند، می‌دانند که مشخصهٔ بارز فعالیت‌های مطبوعاتی وی بر دو اصل اساسی استوار است: اول دوری جستن از جار و جنجال‌های رایج و پرهیز از حادثه‌آفرینی، زیرا به اعتقاد او فلسفهٔ وجودی فعالیت‌های فرهنگی و هنری با قیل و قال و هیاهو ناسازگار است. دوم پایبندی دیرینهٔ دهباشی به شعار «با دوستان مروت با دشمنان مدارا»؛ شعاری که این بار نیز محور اصلی و سرلوحهٔ مجله «بُخارا» خواهد بود.

در خاتمه با توجه به آنچه در این نوشتار آمد، تنها می‌توان همصدا با رودکی گفت: ای «بُخارا»

شاد باش و دیرزی!